

شورا

از دیدگاه

آیتا... طالقانی



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

شورا

از دیدگاه

پدر طالقانی



کتابخانه مرکزی

Central Library

Tehran University

کتابخانه آنلاین «طالقانی»



10007500141274

کتابخانه مرکزی دانشگاه

٦٩٣٢

BP190.5

•C65 T3



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

✱ "شورا" از دیدگاه "پدر طالقانی"

✱ انتشارات ابونذر

✱ تیرماه ۶۰

✱ پنج هزار نسخه

✱ چاپ و صحافی فروغ دانش

✱ مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

"... فان ارادا فصلا" عن تراض منهما و تشاور فلا

جناح عليهما..."

"پس اگر بخواهند بچه را از شیر بگیرند باید با -

رضایت و مشورت پدر و مادر این عمل انجام گیرد..."

سوره بقره آیه ۲۳۳

"فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظا " غليظ

القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم

في الامر فاذا عذمت فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين"

"پس با آن رحمتی که از خدا به تو عنایت شد

بر ایشان نرم شدی و اگر خشن و سختدل بودی بدون شک

از پیرامونت پراکنده می شدند پس از آنان چشم بپوش و برای

آنان آموزش بخواه و در امر مهم با آنان مشورت کن آنگاه

چون عزم نردی پس بر خدا توکل کن زیرا بی گمان خدا دوست

می دارد توکل کنندگان را"

سوره آل عمران آیه ۱۵۹

"والذين استجابوا لربهم و اقاموا الصلوة و امرهم

شورى بينهم و ما رزقناهم ينفقون"

"و آنانکه پذیرفتند برای پروردگار خود و بها داشتند

نماز را و کارشان مشورت است میان ایشان از آنچه روزیشان

دادم ببخشند"

سوره شوری آیه ۳۸



کتابخانه آنلاین «مالقانی و زمانه ما»

... رهبرانقلاب اهمیت و توجهی که به مسئله شوراها دارند شاید کم نظیر باشد. من این مسئله را الآن خدمت خواهر و برادران عزیز عرض میکنم. روزهاییکه ایشان در پاریس تشریف داشتند و من خدمت ایشان رفته بودم یکی از مسائلی که مطرح شد مسئله شوراها بود وقتی این مسئله مطرح شد نظر ایشان آن بود که بمحض سقوط رژیم سابق باید شوراهای منطقه اختیار مناطق خود را بدست بگیرند و حتی قرار شد یکی دو روز اقامت را در پاریس تمدید کنم تا چیزیکه در این زمینه نوشته میشود و نوشته هم شد بیشتر روی آن بحث و بررسی شود و بررسی شد. و بعد از بررسی تقریباً "زوائدش حذف شد. و من متن آنرا که در پاریس نوشته شد با خودم بایران آوردم و تکثیر کردم و با افرادی که مورد نظر بود و فکر میکنم بعضی از آنها شاید در همین مجلس هم باشند، خدمتشان فرستاده شد اصل متنی که از پاریس آورده ام الآن هم پیش من است. بهر حال از آنموقع ایشان دستور فرمودند که در مورد شوراها مطالعات لازم بشود تا چیزی برای شوراها نوشته شود و بمحض اینکه رژیم سقوط کرد، نظام شورا جای آنرا بگیرد. منتهی بعد از سقوط رژیم وضع فوق العادهای پیش آمد کرد و نظام شوراها پیاده نشد بعد ایشان دستور فرمودند در این مورد تسریع شود. و رفقا و ارادتمندان بایشان نشستند و آئین نامه دیگری نوشتند که آنهم الآن موجود است. تا کنون چهار تا نظام نامه یا آئین نامه در مورد شوراها نوشته شده است. *

" صدها بار گفتم که مساله شوراها از اساسی ترین مساله اسلامي است ، حتی به پیغمبرش با آن عظمت میگوید ، با این مردم مشورت کن ، به اینها شخصیت بده ، بدانند که مسئولیت دارند ، متکی به شخص رهبر نباشند ولی نه اینکه نگرند ، می دانم چرا نگرند ... امام دستور میدهد ، ما هم فریاد می کشیم دولت هم تصویب میکند ، ولی عملی نمی شود ... شاید اینطور تشخیص بدهند که اگر شورا باشد دیگه ما چکاره هستیم ؟! شما هیچ بروید دنبال کارتان ، بگذارید این مردم مسئولیت پیدا کنند ... " **

کتابخانه آنلاین « طالقانی و زمانه ما »

* از سخنان آقای موسوی اردبیلی بنقل از " صورت شروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی " جلسه سی و هفتم مورخه ۵۸/۷/۱۰ صفحه ۲۰
** صفحه ۴۱ همین دفتر

بنام خدا

"شورا از دیدگاه پدر طالقانی"، دومین دفتر از فهرست موضوعی مجموعه پیامها، اعلامیهها، سخنرانیها، مصاحبههای مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی، خطبههای نماز جمعه و نماز عید فطر (۱۳۵۸) و جلسات "باقرآن در صحنه" که طی ۳۱۵ روز "از آزادی تا شهادت" مادر، ایراد و انجام گرفته است با نضمام "تنبيه الامه و تنزيه المله"، "تمرکز و عدم تمرکز مرجعیت و فتوی"، بخشی از تفسیر ارزشمند و بزرگ "پرتوی از قرآن" - و ... میباشد.

اولین دفتر به مطالبی که "پدر" در رابطه با رهبری و خصوصیات امام امت "بیان فرموده بودند، اختصاص یافت.

لازم بتذکر است که "شورا"ئی که از جانب "ابوذر زمان" مطرح میشد برای رشد و شکوفائی استعداد های خلق، مشارکت مردم در سرنوشت خود، از میان بردن استبداد در تمامی ابعادش و همچنین محور زمینه های بروز هر نوع دیکتاتوری، پاسداری از دست آوردهای انقلاب اسلامی، تضمین هر چه بیشتر وحدت مردم میهن، تحکیم بنیادهای رژیم جمهوری اسلامی ایران و... بود و آنچنان که گذشت زمان نشان داد هیچگونه سنخیتی با "شورا"ئی که از سوی رهبری خود بین، خود محور، تنگ نظر، انحصار طلب و چپ نما فعلی "سازمان مجاهدین خلق" که خود تمرکز قدرت مهبی را تحت عنوان "سانترالسم دموکراتیک" و رابطه یک جانبه از بالا به پایین در "سازمان" بوجود آورده و نقش توده های سازمانی را تا حد پیچ و مهره های بی اراده و آلت دست تنزل داده است و با "دفاع" از شورای شخصی که تا

دیروز با الفاظ تحقیر آمیز "شورا پورا" از شورا یاد میکرد و همچنین با کاریکاتور شورا که از جانب معتقدین بعدم دخالت شورا در تصمیم گیری و نظارت مطرح میشود، و نقش شوراها را تا سطح "نظر دهنده" پائین میآورد، ندارد. بلکه دو گروه اول همچون بیان مولای متقیان علی علیه السلام در باره خوارج، از کلمه حق اراده باطل نموده اند. و گروه سوم بدلیل ناتوانی مخالفت علی با اصل اسلامی شورا در پی آنند تا با پذیرش فرم و ظاهر و شکل، شورا را از محتوی تهی سازند.

امید آنکه با ایجاد نظام شورائی آنچنانکه خواست "پدر طالقانی" بود و گسترش شوراها در تمامی سطوح: روستاها، کارخانجات، ادارات، مدارس، دانشگاهها، نیروهای مسلح محلات، شهرها، استانها و...، توده های خلق همیشه حاضر در صحنه ایثار و فداکاری و جان بازی و حافظین واقعی انقلاب در سرنوشت خود، انقلاب و میهن حق مشارکت یابند و وحدت و برادری دشمن شکن ۲۲ بهمن بار دیگر بر میهن عزیز ما سایه افکن گردد و نقشه های توطئه آمیز امپریالیستها در ایجاد اختلاف و کینه در صفوف نیروهای مردمی که بدلیل عدم هوشیاری و هاگمیت خصلتهای غیر اسلامی در افکار و مناسبات اجتماعی تاکنون، موفق بوده است، بشکست انحامد. و تودمهای میلیونی خلق در چهار چوب قوانین اسلامی با تمرین اصل اسلامی شورا، در سرنوشت خود و امر رهبری جامعه و حفظ انقلاب اسلامی شرکت جسته، زمینه ساز ایجاد جامعه مهدوی گردند.

ضمناً "برای نشان دادن ایمان و اعتقاد دیرینه" پدر طالقانی "به شورا و نقش مردم در مقدرات خود و رهبری کشور، قسمت هایی از کتاب ارزشمند "تنبیه الامه و تنزیه الامه" اثر بزرگ علامه نائینی که توسط "ابوذر زمان" با ضافه توضیحات و حواشی در سال ۱۳۳۴ تحدید چاپ گردیده است، آورده ایم.

استدلال در تأیید شور و مشورت و ضرورت شور

"فصل سیم - در تحقیق امرسیم، و توضیح آن موقوف ببیان سه امر است، اول آنکه: چنانکه دانستی حقیقت سلطنت اسلامی عبارت از ولایت برسیاست امورات - و بچه اندازه محدود است - همین طور ابتناء اساس هم نظر بشارکت مقام ملت در نوعیات مملکت بر مشورت با عقلاء امت که عبارت از همین شورای عمومی ملی است، - نه تنها با خصوص بطانه و خواص شخص والی، که شورای درباریش خوانند؛ بنص کلام مجید الهی عزاسمه و سیره مقدسه نبویه صلی الله علیه و آله، که تازمان استیلای معویه محفوظ بود، این حقیقت از مسلمات اسلامی است.

- ودلالت آیه مبارکه: و شاورهم فی الامر، که عقل کل و نفس عصمت را بدان مخاطب و بمشورت با عقلاء امت مکلف فرموده اند براینمطلب درکمال بداهت و ظهور است، چه بالضروره معلوم است مرجع ضمیر جمیع توده ها امت و قاطبه مهاجرین و انصار است، نه اشخاص خاصه، و تخصیص آن به خصوص عقلاء وادبا بحل و عقد از روی ناسیت حکمیه و قرینه مقامیه خواهد بود، نه از باب صراحت لفظیه، و دلالت کلمه مبارکه - فی الامر - که مفرد محلی و مفید عموم اطلاقی است، بر اینکه متعلق مشورت مقرر در شریعت مطهره کلیه امور سیاسیه است، هم در غایت وضوح، و خروج احکام الهیه عزاسمه از این عموم از باب تخصص است نه تخصیص و آیه مبارکه: و امرهم شوری بینهم اگر چه فی نفسه برزیده از رجحان مشورت دلیل نباشد، لکن دلالتش بر آنکه وضع امور نوعیه بر آنست که بمشورت نوع بر گذارشود، در کمال ظهور است، سیره مقدسه نبویه صلی الله علیه و آله در مشورت با اصحاب: و اشیروا علی اصحابی، فرمودن در حوادث را، کتب سیره مشروحا "متضمن و

بمحضت با ارائه اکثر بجائی منتهی بود که حتی در غزوه احد، با اینکه رای مبارک شخص حضرتش باجماعتی از اصحاب عدم خروج از مدینه مشرفه را ترجیح فرمود، و بعد هم دانستند که صلاح صواب همان بود مع هذا چون اکثریت آراء بر خروج مستقر بود از این رو با آنان موافقت و آن همه مصائب خلیله را تحمل فرمود عدم تخطی خلفاء اولین از این سیره مقدسه و ترقیات فوق العاده مترتبه بر آنها، از وقایع صدر اسلام تفصیلاً معلوم است. حضرت شاه ولایت علیه افضل الصلوات و السلام هم در طی خطبه مبارکه که در بیان حقوق والی بر رعیت و حقوق رعیت بروالی در صفین انشاء فرموده بقاطبه حاضرین (که عددشانرا از پنجاه هزار نفر کمتر نگفته اند) میفرماید:

فلا تکلمونی بما تکلم به الجبار و لا تتحفظوا منی بما یتحفظ به عند اهل البادیه و لا تخلطونی بالمصانعه و لا تظنوا بی استقالاً فی حق قیل لی و لا التماس اعظام لنفسی، فانه من استثقل الحق ان یقال له و العدل ان یمرض لیه کان العمل بهما اثقل فلا تکفوا عن مقاله بحق او مشوره بعدل (*) چقدر سزاوار است ما مدعیان مقام ولای تشیع اندکی در سراپای این کلام مبارک تامل کنیم و از روی واقع و حقیقت رسی و الغاء اغراض نفسیه این مطلب را بفهمیم: که این درجه احتتام حضرتش در رفع ابهت و هیبت مقام خلافت از قلوب امت و تکمیل اعلی درجات آزادی آنان، و ترغیب

* بامن آنطور که با جباران سخن میگوئید سخن نگوئید، و چنانکه در برابر مردمان بی باک و متکبر خودداری میکنید از من در گفتن حق خود داری نکنید، بامن با ظاهر سازی آمیزش ننمائید. درباره من گمان بیجا نبرید که گفتن حق بر من سنگین باشد یا بخواهید من را ببزرگی تعظیم کنید؛ چه کسی که گفتن حق یا پیشنهاد عدل براو سنگین باشد، عمل بآن دو، براو سنگین تر است، پس از سخن بحق یا مشورت بعدل هیچ خود داری ننمائید!

و تحریصشان بر عرض هرگونه اعتراض و مشورت ، و در عداد حقوق والی بر رعیت و یا حقوق رعیت بر والی شمردن آن ، همچنین ، اشیر و اعلی اصحابی فرمودن های اشرف کاینات صلی الله علیه و آله بر طبق امر الهی عزاسمه برای چه مطلب بود ؟ اگر با وجود مقام والی عصمت و استغناء از تمام عالم در اصابه واقع ، مع هذا بر رعایت تحفظ از خطاء و اشتباه چنین اهتمام فرموده اند ، حاشاهم عن ذلک ! پس لازم است که لا اقل برای منع از تجاوزات عمدیه ، این اساس سعادت را استوار داریم ، و اگر از برای تنزیه سلطنت حقه ولایتیه از مجرد تشبیه صوری بر سلطنتهای استبدادیه فراعنه و طواغیت امم و حفظ اساس مسئولیت و شریعت آن ، و تحفظ بر آن دو اصل طیب و طاهر ، حریت ، و مساوات آحاد است با مقام والای خلافت بوده — کما هو الظاهر بل المتعین — پس البته لازم است نحوه سلطنت اسلامی را اگر چه متصدی مغتصب باشد بقدر قوه تحفظ کنیم ، و اگر محض تعلیم امت و از برای سر مشق ولایة و قضاة و عمال ، و بفرض التزام آنان بر رفتار بر این نهج و عدم تخلف از این دستور العمل بوده پس لازمست تعلیم کنیم — صلوات الله علیه و علی الاطائب من ولده القائمین من بعده .

و علی کل حال زهی اسف و حسرت که ما ظالم پرستان عصر و حاملان شعبه استبداد دینی چه قدر از مدالیل کتاب و سنت و احکام شریعت و سیره پیغمبر و امام خود بیخبریم ؟! و بجای آنکه شورای عمومی ملی را هذ بهضا عتبار دت الینا بگوئیم با اسلامیت مخالفش می شماریم و حتی آیه واضح الدلاله سابقه را هم گویا در کتاب مجید الهی عزاسمه هرگز نخوانده ؟! و یا بمفادش بر نخورده ؟! یا آنکه بواسطه منافاتش با شهوات و شعیه استبداد و استعباد خودمان داستان " نذ فریق من الذین اوتوا الکتاب کتاب الله وراء ظهورهم کانهم لایعلمون (*) را تجدید نمودیم . " (۱)

" چون وجود تحدید قدرت حکومت ثابت شد ، آیا مشروطیت که رکن اساسیش تنظیم قوانین محدود کننده و انتخاب هیئت مسئول و نظار است ، برای تکلیف عمومی تحدید ، کافی و مشروع است ؟ توضیح و اثبات مشروعیت این تأسیس متوقف بر سه امر است :

۱ - " چون دانسته شد که حقیقت حکومت اسلامی ولایت بر امور و تصرفات شخص والی بسیار محدود است ، پس شخص والی و سلطان بدون رای و مشورت عموم ملت که شریک در مصالح نوعیه اند نمیتواند تصرف و اقدامی نماید و چون اجتماع افراد ملت در هر امری ممکن نیست و عموم اهل تشخیص نیستند باید مردمان صالح و عاقل دور هم بنشینند و مشورت نمایند و رای بدهند ، وجوب مشورت در امور و حوادث بحسب نصوص آیات و سیره پیغمبر اکرم از امور مسلمه است ، دلالت آیه . و شاور هم فی الامر ، که پیغمبر مقدس و معصوم را بدان خطاب و مکلف نموده بس واضح است ، ضمیر جمع (هم) در مرحله اولی همه مسلمانان است ولی بحسب قرینه امکان و تناسب حکم با صاحبان رای راجع بعقلا " و ارباب نظر است . و - الامر - مقصود تمام کارهای اجتماعی و سیاسی است ، و چون قوانین از جانب خدا می باشد از این حکم خارج می باشد - و آیه : امر هم شوری بینهم - که جمله خبریه است دلالت دارد براینکه وضع امور نوعیه در میان جامعه ایمانی چنین است ، و روش پیغمبر اکرم و امیرالمومنین علی (ع) بر این بوده ؛ و اهمیت دادن شوری و دستور دادن بآن یا از جهت امکان اشتباه - حاشا هم - و یا برای تطهیر اجتماع و حکومت مسلمانان از تشبه بحکومت های استبدادی و یا برای تعلیم و تربیت امت بوده ، بهر حال باید از آن پیروی نمود ، ظالم

پرستان و مستبد تراشان بنام دین ، اگر به کتاب و سنت ایمان و از آن خبر داشتند ، باید این شوری را که ارث اسلام است و بما برگشته ، از خود بدانند و محکم بدانند نه با دین مخالفش شمارند !! " (۲)



کتابخانه آنلاین « طالقانی و زمانه ما »

در نفسی مغلطه بدعت بودن قاعده اکثریت آراء و تأیید شورا

"چهارم : مغالطه و خطابیات نیست که برای عدم مشروطیت تأویل با اکثریت آراء و بدعت بودن آن آراء و اظهار شده !، اما فساد دعوی بدعت بدون آن از آنچه سابقاً در بیان حقیقت تشریع و بدعت گذشت ظاهر و محتاج با عاده نیست ، گذشته از آنکه لازمه اساس شورویتی که دانستی بنص کتاب ثابت است ، اخذ بترجیحاتست عندالتعارض ، و اکثریت ، عندالدوران ، اقوای مرجحات نوعیه و اخذ طرف اکثر عقلاء ارجح از اخذ به شاذ است و عموم تعلیل وارد در مقبوله عمر ابن حنظله هم مشعر بآنست ، و با اختلاف آراء و تساوی در جهان مشروعیت ، حفظاً " لنظام متعین و ملزمش همان ادله داله بر لزوم حفظ نظام است ، علاوه بر همه اینها موافقت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله با آراء اکثر اصحاب در مواقع عدیده ، بنقل رواه فریقین مأثور و فعل حضرتش در غزوه احد که سابقاً " اشاره کردیم و هم چنین در غزوه احزاب که در عدم مصالحه با قریش بمقداری از خرماي مدینه با اکثر اصحاب موافقت فرمود (*)

* این داستان را طبری و دیگران با اسناد خود چنین نقل نموده :
در سال پنجم هجرت ، قریش و احزاب و قبائل مشرکین عرب بسوی مدینه حرکت کردند ، مسلمانان با مشورت و پیشنهاد سلمان فارسی و در یک قسمت از مدینه خندقی حفر کردند ، مشرکین در آن سمت خندق یکماه مسلمانان را محاصره نمودند در این مدت جز تیراندازی از دوست جنگی واقع نشد ، چون فشار محاصره بر مسلمانان سخت گردید رسول اکرم (ص) برای آن که از فشار دشمن بکاهد و میان آنان پراکندگی پدید آورد ، نهانی با سران غطفان - عیینه بن حص و حارث بن عوف - گفتگوی صلح در میان نهاد :
که یک ثلث عوائد خرماي مدینه را واگذارد و آنان با قبيله و هم پیمانهای خود بر گردند ، مذاکرات تا آنجا رسید که قرار داد صلح تنظیم گردید

هم چنین موافقت حضرت سید اوصیاء علیه واله افضل الصلوة والسلام در قضیه میشومه تحکیم با آراء سوء اکثر، که فریب رفع مصاحف شامیان را خورده بر آن متفق شدند، و فرمایش حضرتش که فرمود نصب حکمین ضلالت نبود بلکه سوء رای بود، چون اکثر بر آن متفق شدند موافقت کردم، الی غیر ذلک از آنچه استقصاء آن خارج از وضع رساله و مستغنی عنه است و برای ابطال دعوی مذکوره کافی و سنگ دندان شکن مغرضین است، چون عمده شبهات مغرضانه نسبت باصول و ارکان این اساس سعادت امور مذکوره بود، لهذا محض آنکه ابتناء آن بر غرضانیت براحادی مستور نماند تعرض و دفعش لازم بود حال بقیه هفوات هم، از آنچه گذشت ظاهر و هویدا است و اوقات اشرف از تعرض و اغتناء بآنها می باشد." (۳)

و روی کاغذ آمد ولی بامضاء طرفین نرسید برای تکمیل و امضاء رسول اکرم (ص) سعد بن عباد و سعد بن معاذ سران بزرگوار اوس و خزرج را احضار فرمود و با آنان مشورت نمود، آنها عرض کردند یا رسول الله این کاریست که خود میخواهی برای صلاح ما انجام دهی، یا امر پروردگار است؟

فرمود: چون عرب یکسره هجوم آورده و بایک گمان ما را هدف ساخته اند خواستم قدرت متحد آنان را در هم شکنم. سعد بن معاذ عرض کرد: آن روز که مابت میپرستیدیم و خدای واحد را نمی شناختیم، عرب طمع آن نداشت که یکدانه از خرما یا مبخورد مگر از راه میهمانی یا خریدن؛ اینک که خداوند ما را باسلام گرامی داشت و هدایت فرمود و بوجود تو عزت یافتیم، اموال خود را بآنها بدهیم؟! نیازی باینکار نیست، بآنها دم شمشیر تیز میدهیم: تا خداوند میان ما حکومت کند! حضرت فرمود: رای رای شماست، سعد صلح نامه را از میان برد و گفت هر چه میخواهند بر ما سخت بگیرند! گر چه این مشورت با سعد بن عباد و سعد بن معاذ انجام گرفت ولی این دو، نمایندگان او س و خزرج بودند که اکثریت مسلمانان را تشکیل میدادند.

در ضرورت مشورت و عدم تمرکز در مسائل فتوائی و

ایجاد شورای فتوا

... با توسعه و تکامل پیوسته‌ی مباحث و ابواب فقه و اصول، فروع و مباحث فقه هر یک تخصصی خواهد شد، آنوقت مجتهدین برای انجام مسئولیت شرعی خود در مسائل حادثه و مورد اختلاف، احتیاج بمشورت را (مانند متخصصین در رشته‌های توسعه یافته‌ی همی شئون) بیشتر درک خواهند کرد، در این دوره که اکنون شروع شده آراء فردی در اینگونه مسائل خود ناشی از غرور و استبداد در رای میباشد که در شریعت اسلام مطرود است" (۴)

"آیه ۱۲۳ سوره‌ی توبه معروف بآیه‌ی نفر، که مبده اصلی تشریع و وجوب اجتهاد و تفقه در اصول و فروع اسلام است، ظاهر بلکه صریح در عدم تمرکز ابلاغ و فتوا و اداره‌ی امور میباشد." (۵)

در همین مقاله " پدر طالقانی " مینویسد، سه راه برای انجام وظیفه خطیر اجتهاد در دین و مراقبت بر حوادث بترتیب زیر موجود است:

۱ - تمرکز مطلق، در فتوا و امور اداری دین در یک یا چند فرد و مرکز.

۲ - نبودن هیچگونه مرکزیتی بهر صورت که باشد.

۳ - تمرکز در فتوا و امور اداری در هیئت اجتماع و شورا.

"پدر" پس از استدلال در نفی تمرکز مطلق مینویسد: "تمرکز در فتوا و اداره

نه دلیل فقهی دارد و نه بمصلحت دین و نه جامعه‌ی مسلمین است"

و صورت دوم را نیز که " موجب تفرقه و پراکندگی مسلمانان و عدم

تفاهم و تعاون رهبران میگردد " رد نموده و سپس میگوید: باتوجه بآنچه

گفته شد تمرکز در هیئت و اجتماع، اصلح و اتفن و نزدیکترین طرق بنظر شارع است."

و پیشنهاد میکند:

" اکنون باید هر چندی یکبار مراجع دین و اهل نظر و تشخیص، جمع شده تا مسائل و حوادث واقعه را مورد شور قرار دهند. و پس از استخراج رای از این شورا، نتیجه و تکلیف قطعی عامه‌ی مسلمانان را اعلام کنند."

و در پاسخ مخالفین چنین استدلال میکند:

"... لازمه و نتیجه‌ی شورا اتفاق آراء، و یا اکثریت است، گرچه عنوان "رای اکثریت" در ادله‌ی فقهی نیامده ولی نتیجه شورا که امر صریح قرآنست اتفاق با اکثریت میباشد، و استناد بآن در صورت فقدان مانند استناد بشهرت و اجماع است، آیا اخذ بنظر اکثریت اهل فن، با احتیاط، با واقع نزدیکتر است یا نظر اعلم؟"

" پدر " در پایان پیشنهاد میکند:

بنابر آنچه بیان شد پیشنهاد میشود: که شورای فتوایی بریاست یک یا چند تن از علماء بزرگ و مورد قبول عامه، در یکی از مراکز علمی، در هر ماه، یا چند ماه یکبار تشکیل شود، و مسائل اختلافی و موضوعات روز، بنا بر اصطلاح روایت "حوادث واقعه" در شورای مزبور مطرح گردد و از مجتهدین اطراف و شهرستانها دعوت شود، تا موارد ابتلاء و نظر خود را با دلائلی که دارند ابراز دارند و ضمناً این مسائل را در حوزه‌ی علمیه‌ی خود ضمن درس برای طلاب، به بحث گزارند، سپس نتیجه‌ی آراء اعلام گردد..." (۶)

تصمیمها با مشورت و عدم تحمیل نظر انجام گیرد

"... و هر تصمیمی با مشورت انجام پذیرد و احدی را حق تحمیل نظر شخصی (که نتیجه آن بینظمی و بروز اشکال در نیل به منظور های پاک ملی خواهد بود) نباشد " (۷)

تفسیر آیه ۲۳۳ سوره بقره

" فان ارادا فصلا عن تراض منهما وتشاور فلا جناح علیهما ...
... عن تراض، بیان منشاء فصال است: اگر پدر و مادر خواستند جدائی طفل را از شیر مادر یا هر شیری، جدائی که از روی تراضی پدر و مادر و مشورت باشد گناهی بر آنها نیست. نه بدون تراضی و نه رضایت یکی از آنها. و تشاور، بدون قید " منهما " وسعت دائره مشورت - از پدر و مادر و طبیب و دیگر افراد با تجربه را - میرساند. این مشورت که بصلاح نوزاد و پدر و مادر و طبیب و دیگر افراد با تجربه را - میرساند. این مشورت که بصلاح نوزاد و پدر و مادر انجام میگیرد پایه صلاح اندیشی و تفاهم خانواده و در حدود احکام اسلام است تا دیگر روابط و مصالح اجتماعی بر آن پایه بالا آید و وسعت یابد. آیا این مسائل زنده و پیشبرنده و مصرح قرآن، نباید باندازه دیگر مسائل فرعی و فرض مورد بحث و توجه و عمل مسلمین

باشد و در رساله‌های عملیه عنوان شود؟! * خطاب - وان اردتم ان تسترضعوا اولادکم ، به پدرانیستکه حق دایه گرفتن از آن‌ها میباشد . این حق بقرینه پیوستگی آیه ، در زمینه رضایت و مشورت باید باشد . . . " (۸)



* روش عمومی مسلمین ، در اینگونه مصالح و روابط خانوادگی - مانند دیگر مسائل اجتماعی - یا تحمیل نظر و عقیده و استبداد است - چنانکه اگر شوهر یا زن خواستند بدون رضایت دیگری و مشورت ، طفل بیچاره را از شیر بگیرند - و یا بجای مشورت و تعقل ، دانه‌های جامد تسبیح را پس و پیش می‌نمایند . سیره رسول خدا (ص) این بود که مسائل و حوادث اجتماعی و یا خانوادگی را در میان می‌نهاد و رای میگرفت . و گاه با دختر و یا همسرش در مسائل مربوط بآنان ، جلسه ای تشکیل میداد و بصورت رسمی و جدی آنچه لازم بود مطرح مینمود . گویند در داستان افک عایشه ، آنحضرت بخانه ابوبکر رفت و نشست و خطبه خواند ، آنگاه روی بعایشه نمود و در باره حادثه فتنه انگیز و گفتگوهای منافقین با وی سخن گفت . پایه و مایه تمدن بمعنای واقعی آن همین است . مشورت ، احترام متقابل ، رای دادن و رای گرفتن . . . "

تفسیر آیه " و شاورهم فی الامر "

فبما رحمه من الله لنت لهم ، ولو كنت فظا " غليظ القلب لانفضوا من حولك ، فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر . فاذا عزمتم فتوكل علی الله ، ان الله يحب المتوكلين .

پس از آن جوش و خروش که از مدینه بیرون آمدند ، آن عقب‌نشینی گروهی از میان راه ، آن سر پیچی از فرمان برای غنیمت و باز گذاردن سنگر کوه ، آن فرار و پشت کردن به دشمن و روی به کوه آوردن ، آن پراکنده شدن از پیرامون پیمبر غرقه در خون و او را در میان دشمن بی دفاع گذاردن ، آن فریاد پیمبر از پشت سر آنها و روی نگرداندنشان ، باید پیمبر را خشمگین کند و به خشونت و نفرین و یا طرد بعضی وادارد ؛ همین رحمت خاص بود که پروبال‌گشود و آنها را با همه گوناگونی در بر گرفت . آن جاذبه رحمت بود که همه را جذب کرد و از توحش و دفعشان جلوگیری کرد ، از آنها چشم پوشید و از گناهان‌شان استغفار کرد . با آن عواقب سخت و ناگواری که شورای احد پیش آورد و آن ضربه‌ای که بر مسلمانان وارد شد و آن بزرگانی که از دست داد و آن شکاف و تفرقه فکری و جنگی که در اجتماع آنان پدید آمد و نزدیک بود یکسر متلاشی شوند ، همه از آثار شورا بود ، که مدینه را بی پناه گذاردند و برخلاف نظر شخص آن حضرت به سوی دشمن پیش راندند ، با همه اینها باز اصل شورا را تحکیم می‌کند . چون پایه اجتماع اسلامی است و برای همیشه ، تا اندیشه‌ها و استعدادها بروز کنند و هر صاحب رای خود را شریک در سر نوشت بداند و مسلمانان برای آینده و همیشه تربیت شوند و بتوانند در هر زمان و هر جا از غروب نبوت ، خود را رهبری کنند ، اگر در این راه و برای تحکیم شورا هر چه زیان دهند ارزش دارد تا با هر شکستی آراء

محکمتر و قدمها ثابت تر شود و مانند بچه که همی به زمین افتد و صدمه ببیند و بر خیزد تا به اندیشه و پای خود مستقیم و محکم گردد . شکستها می گذرد ، امت اسلامی باید بعالیترین صورت اجتماعی باقی بماند . همیشه رهبری پیمبر و اوصیاء و تربیت شدگان در میان نیست . پس باید خود را به دست سرنوشت رها کنند تا سر نوشتشان را دیگران تعیین کنند و یا گرفتار استبداد ها و خود سریها باشند ، و یا با شورای اهل نظر آشنا و مؤمن به معنای اسلامی ، امت را اداره کنند و پیش برند ، هر چه پیش آید . گرچه در میان مسلمانان مانند احد اختلاف افتد و هر فرمانی دهند ، ارزش روحی و آزادی و پیوستگی آن بیش از اینهاست ، با آنکه رسول خدا در میانشان بود ، چه رسد به پس از او . این بزرگترین درس احد است .

فاء تفریع ، شاید اشاره به سوابق بی سرپرستی و زندگی و خوی گذشت و آن سر پرستیها از بینوایان و در ماندگان است که پس از آنها تو مظهر رحمت خاصی از جانب خدا که بیش از رحمت دیگران است ، شدی ؛ رحمتی که دوست و دشمن و دور و نزدیک را فرا می گیرد و نرمش می آورد . و یا تفریع به آیه " یا ایها الذین آمنوا لاتکونوا . . . " یا آیات سابق است که مبین اندیشه های پست ارتجاعی و جاهلیت و جواذب آن می باشد . بقاء سببیه است و ما ، ابهامی و اشعار به تعظیم و موهبتی است که گویا لغت و نامی که مبین آن باشد در میان نیست ، از بینش و روشی فطری و ناشی وحی ، نه آنکه به گفته بعضی از مفسرین ، ما ، زائد باشد . رحمت همچون بدل از " ما " است . پس با این مردم بدانندیش و بدخوی پراکنده خو و مجذوب کشش های جاهلی ، به سبب آنچه از بینشی که به تو عنایت شده و مسئولیتی که داری و به صورت رحمت خاصی در قلب تو تجلی کرده برای این مردم نرم گشته ای . چون خوشونتهای نابجا و سختگیری نسبت به خلق از ناتوانی بینش و بی تشخیصی و نبودن شجاعت فکری است و در مقابل هر چه بینش نیرومند تر و نافذ تر باشد و بتواند اندیشه ها و جواذب خلق را چنانکه

هستند بنگرد، نرمی بیشتر می‌شود. همچون پزشکی که با بصیرت و روشنی که نسبت به بیماری جسمی و روانی بیماران دارد، از ناراحتی و بد خوئی و بدگوئی بیمار ناراحت نمی‌شود، بلکه هر چه بصیرت و تشخیص او بیشتر باشد، حس‌ترحم در وی بیدارتر و فعال‌تر می‌گردد تا بتواند او را در برابر علاج‌وپرهیز رام گرداند* این نیروی غیبی بی‌نام و نشان که از آن به "ما" تعبیر و به "رحمه" نکره تبیین شده است، همانند نیروی درونی اجسام است که از آن به — جاذبه تعبیر می‌شود، همه عناصر مستعد انسانی را به خود و پیرامون خود جمع می‌کند و به حرکت در می‌آورد و بدون آن پراکندگی است.

ولو كنت فظا "علیظ القلب لانفصامن حولک . لو، شرط امتناعی است: اگر آن نیرو به تو عنایت نمی‌شد و اگر تند خو و پرخاشگر و سختدل بودی — که چنین نیستی و نباید باشی چون پیمبر رحمت و موعود و مبعوث بسط رحمتی — این مردم سرکش و نابه سامان و خشن خود به خود از جذب به تو و پیرامونت جدا و پراکنده می‌شدند. پس با چنین پرتو خاص رحمت الهی که منشاء نرم‌خوئی و روش‌آسانجوئی تست، از آنان گذشت کن و آنان را مشمول عفو گردان. چنانکه خدای مبداء رحمت، آنان را مشمول عفو خود گردانده است و دو بار در آیات گذشته اعلام عفو کرده است:

"و لقد عفا عنکم . . . و لقد عفا الله عنکم . . .". این اعلام و فرمان عفو، پس از آن سستی و درگیری میان خود و سرپیچی از فرمان و روتافتن از میدان احد بود و پیامدش کشته شدن گزیدگان و شکست نظامی و روحی مسلمانان و اندوه و خشم آن حضرت پیش از عفو، برای آنان از خداوند

* این محبت هم نتیجه دانش است کی‌گزاره بر چنین تختی نشست
دانش‌ناقص نداند فـرق را لاجرم خورشید داند بـرق را

از محبت تلخها شیرین شود وز محبت مسها زرین شود

طلب مغفرت کن: و استغفرلهم. که از تو عفو و طلب مغفرت باید و از خداوند عفو و مغفرت شاید و از این هم بالاتر، فرمان شور با آنان در امور اجرائی - نه احکام و فرامین الهی است تا شخصیت بدانان دهی و شخصیتشان را بالا ببری و با خود همراز و همنشین گردانی و برای آنان احترام گذاری و در مسئولیتها و در جنگ و صلح شرکتشان دهی: و شاورهم فی الامر. * عفو و استغفار، لغزشها و گناهان را محو می کند و از خاطره ها می زداید و مشورت، آنان را از بند تقلید و ترس فکری برون می آورد و شجاعت نظر و فکر و ابتکار و شخصیت روحی می دهد، تا هر یک در حد استعداد ذاتی، دارای جاذبه و تحرک و تحریک می گردند. این با ارزشترین اثر مشورت است هر چند که طرف شور در نظر ناچیز و بی فکر آید. *

* - امر "شاورهم" پیمبر را رسید
گر چه رای نیست رایش را فریید
در ترازو جو رفیق زر شده است
نی از آن که جو جو زر گوهر شده است
روح، قالب را کنون همره شده است
مدتی سگ حارث در گه شده است
امر "شاورهم" برای این بود
کز تشاور سهو و کژ کمتر شود
کاین خردها چون مصابیح انورست
بیست مصباح از یکی روشنترست.
علی علیه السلام می گوید: "من استبد برایه هلك، ومن شاور الرجال، شارکها فی عقولها" "هر کس با ایستادگی بر روی نظر خود تنها آن را درست دانست هلاک و نابود شد، و هر کس با مردان به کنکاش و تبادل نظر نشست در عقلها یشان شریک شده است. (نهج البلاغه / حکمت ۱۶۱)"

* * - چنانکه علی علیه السلام در ضمن خطبه مفصلی (نهج البلاغه خطبه ۲۱۶) که در میدان صفین، در باره حقوق متقابل زمامدار و مردم بر یکدیگر ایراد کرده می گوید: "ولیس امری - و ان عظمت فی الحق منزلته، و تقدمت فی الدین فضیلته - بفوقان یعان علی ما حمله الله من

این سه امر، که نمودار همان جاذبه رحمت است، باید ارشادی باشد چنانکه پیش از این اوامر هم روش آنحضرت چنین بوده است و همچنین پیش از خروج به سوی احد.

فاذا عزم فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین. تفریع بر "شاور هم فی الامر" است که چون در مشاوره رای بر انجام کاری قرار گرفت باید عزم کنی و تصمیم قاطع بگیری، دیگر تردید و شک و دو دلی به خود راه ندهی و توکل به خدا کنی، چون پس از مشورت و عزم، امر و انجام آن به هر صورت از اختیار و اراده انسان بیرون می رود و در مجرای مشیت الهی واقع می شود. و چون اینگونه توکل پس از مراحل مشورت و رسیدن به عزم همان مطلوب و محبوب خداوند یعنی هر چه خیر است پیش می آورد؛ رسیدن به مقصود و پیروزی باشد و یا نرسیدن و شکست، مانند احد، چه خدا متوکلان را دوست می دارد و آنان را مدد می کند... (۹)

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

حقه. ولا امرؤ - وان صغرت النفوس، و اقتحمته العیون - بدون ان یعین علی ذالک اویعان علیه. "هیچ شخصی نیست که - اگر چه از جهت جهاد، در راه حق مقامی بزرگ دارا باشد و با پیشی گرفتن در دین برتری و فضلی داشته باشد - برتر از آن باشد که برای انجام وظیفه و اجرای حقی که خدا بر دوش او گذاشته نیاز به یاری و همفکری داشته باشد و خود را بی نیاز بداند. و هیچکس نیست که - اگر چه افراد او را کوچک بشمرند و چشمها خرد نگرند - برای انجام وظیفه و اجرای حق نتواند با اندیشه و نظر خود کسی را یاری کند یا بی نیاز از اینکه بر او یاری شود."

این انقلاب از توده همه مردم است و هیچکس و هیچ
حزبی حق در خواست سهم بزرگتری را ندارد

" در کشورهای انقلابی کمونیست یا ناسیونالیست مایه بینیم که یک
گروه انقلاب میکنند و بعد هم حکومت را خود آن گروه بدست میگیرند و
قهرًا "وقتی گروه یا حزب خاصی بود، چه نظامی، چه غیر نظامی دنبالش
دیکتاتوری و استبداد بود. ولی خصوصیت انقلاب اسلامی ما اینست که ما
رهبری‌های مذهبی داعیه حکومت برای خودمان نداریم و نمیخواهیم حاکم
باشیم. انقلابی است که از توده همه مردم، همه قشرها آغاز شده و برای
همه قشرهاست نه یک حزب و جمعیت خاص. این یکی از ویژه گیهای انقلاب
ماست .

از نزدیک هم مشاهده میکنید که این انقلابی است که از زارع، کارگر،
کارمند، تاجر، دانشگاهی و... همه مردم در آن شرکت دارند. از همه
مردم برای همه مردم شروع شده و هیچ حزب و جمعیتی هم حق ندارد برای
خودش سهم بزرگتری در نظر بگیرد و از اینجهت حکومت را در انحصار
خودش درآورد. این خصوصیت اصلی است و باقی مسائل فروع این مساله
می باشد. " (۱۰)

در جمهوری اسلامی باید همه مردم در سر نوشتشان
دخالت داشته باشند

ایجاد نهادهای رهبری و نظارت از پائین
و پاسخ به:

اعمال رای و نظر مردم از چه زمانی شروع میشود؟
چه کسانی حق رای و تصمیم دارند؟

"وقتی که ما نظام جمهوریت اسلامی را بر اساس حق همه مردم می
دانیم، و باید همه مردم در سر نوشتشان دخالت داشته باشند. البته به
اندازه درک و همتشان، چون میدانیم که آدمها متفاوتند و وقتی
اساس جمهوریت اسلامی بر این پایه است، به مطلب دوم می‌رسیم که
گروهها، جمعیتها حالا چه اقتصادی و چه اداری، چه کشاورزی، چه کار-
خانجاتی، همها اینها حق دارند که سرپرستهایشان را خودشان انتخاب کنند.
ما آن نظام را بر اساس حقوق عمومی قرار می‌دهیم خواه ناخواه این حق
برایشان است... مسئله‌ای را که بارها بدان اشاره کردم، مسئله آزادی است.
آزادی در تمام ابعاد. وقتی که اساساً این مطلب مطرح است، وقتی که ما
آزادی را برای انسان بالاترین هدیه الهی و بشری می‌دانیم که انسان آزاد
آفریده شده است، هیچ کس هم نمی‌تواند آنرا سلب کند. اصولاً "تمامی
انقلابات برای باز کردن بندها بوده است. چه بندهای اجتماعی و چه بند
های اخلاقی. قرآن در باره بعثت پیغمبر (ص) چنین می‌گوید که: پیغمبر
برای این مبعوث شده که بندهای تحمیل شده بر انسان را از هم بگسلد. پس
ما هیچ وقت در اسلام نمی‌توانیم تحمل کنیم که استبداد جایش را بیک حزب
و یا استبداد دیگری بدهد. این یک اصل کلی است." (۱۱)

"... همین اعتراضاتی که همافران نیروی هوایی به انتصابات فرماندهان
خود کردند و خواستار انتخاب فرمانده از میان خودشان شدند. که البته ما
این حق را به آنها میدهم. چرا که همین همافران نقش بسزائی در پیروزی
داشتند..." (۱۲)

" . . . من نگفتم که وقتی مجلس موسسان تشکیل شد وضع ما مشخص می شود . عقیده‌ی من این است که از همین الآن ، از پایه باید شروع کرد . چرا که این انقلاب ، یک انقلاب همگانی است . این مردم بیشتر از همه‌ی ما حق رای و تصمیم گیری دارند . چرا که آنان خون دادند . و الآن می بینیم بچه‌هایی هستند که شبانه روز دو ساعت بیشتر نمی خوابند و در خیابانها پاس می دهند و مواظب اوضاع هستند . انقلاب مال آنهاست تنها کاری که ما می توانیم بکنیم این است که حامی اینها باشیم . چون انقلاب مال اینهاست ما باید منتخبین اینها را در هر دسته و گروهی که هستند انتخاب کنیم بنا براین من معتقد نیستم که اول مجلس مؤسسان تشکیل بشود بعد کارها شروع بشود . " (۱۳)

حق اظهار نظر گروههای غیر اسلامی ... در

"... گروههای مختلف هم اگر در اصول با ما مخالف باشند نمی -
توانند در تدوین قانون اساسی شرکت کنند . ما جمهوریت اسلامی میخواهیم
و قانون اساسی هم بر طبق جمهوریت و اسلامی است . این خواسته اکثریت
مردمی است که انقلاب کردند و انقلاب را رهبری کردند . ماحقوق دیگران را
نا دیده نمی گیریم . در جمهوریت میتوان بحث کرد که چقدر حق مردم را
تأمین میکند ولی اسلامی بودن آنرا نمی توان تغییر داد ." (۱۴)

کتابخانه آنلاین « طالقانی و زمانه ما »

مردم باید بر مقدرات خود حاکم باشند

" آیت الله طالقانی به نقل از حضرت رسول گفت : سر نوشت مردم
بدست خود مردم - باید - باشد و مردم باید خود بر مقدرات خود حاکم
باشند ." (۱۵)

پیشنادهائی برای اصلاح امور
تداوم انقلاب
سرگوب ضد انقلاب

"... مردم واقعا" باید بحساب بیایند. مردم ما واقعا" باید سر-نوشت خود را بدست گیرند. مردم باید بتوانند راهی برای زندگی خود پیدا کنند. این مسئله ایست که علمای ما هفتاد و چند سال با آن مواجه هستند. بنظر من انجمنهای ولایتی و ایالتی در هر شهر، در هر روستا و هر دهکده باید بوجود بیایند و افراد مورد اطمینان مردم بوسیله خود مردم انتخاب شوند و سر-نوشت خود را با نظارت خودشان بدست گیرند... این مردم هستند که میبایست حاکم باشند و لاغیر. حکومت باید در خط و مشی مردم پیش رود. روحانیت با همه نظارت خود بدردم مردم برسد. این پایه محکمی است که بما استحکام میبخشد و راه نفوذ را از همه عوامل میبندد. این راهی است که میتواند همه مشکلات منطقه‌ای - کرد - ترک - فارس - و بلوچ را راضی نگهدارد.

من در کردستان بودم و تعجب کردم که چرا بحرف اینها کسی گوش نمیدهد... اینها یک حرف داشتند و منطقه و ملیت خودمان و سرنوشت خودمان دست خود ما باشد. طاغوتیان نمیخواستند که ما بزبان خودمان حرف بزنیم، آنها از ما مالیات میگرفتند و شمال تهران را زیبا میکردند. آیا این حرفها درست نبود؟ ما هم به درد دل آنها گوش دادیم و گفتیم که سرنوشت خودتان دست خودتان و مال خودتان و اکنون هم انتخاباتش به پایان میرسد و هر اشکالی که هم پیش بیاید خودشان میدانند این مسئله باید در همه ابعاد مملکت پیاده شود. عده‌ای گفتند که کمونیستها نفوذ پیدا می‌کنند بکنند و حشمتی وجود ندارد و حشمتی که رژیم سابق از کمونیست داشتند الآن هم هست، در حالیکه کمونیست هیچ چیز نیست. هر چه تو-

سری‌بیشتر بخورد هر چه بیشتر با و فشار بیاد قویتر میشود - چون اسلحه
مظلومیت از هر سلاحی قویتر است - کمونیست مولود استبداد سیاسی و
اجتماعی و دینی است . در هر کشوری که استبداد و محرومیت بود و چهره
دین مسخ شد کمونیست تشکیل میشود .

... اگر ما در مقابل کمونیست بگوئیم که نمیتوانیم مقابله بکنیم در

واقع اسلام را ناقص میدانیم و یا نشناخته‌ایم .

آیت‌الله طالقانی در پایان گفتند : مسئله انجمن‌های ولایتی و ایالتی
بحمدالله شب گذشته با امام مورد بحث و بررسی قرار گرفت و چاره اندیشی
شد که مردم در سر نوشت خود باید حاکم باشند . " (۱۶)

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه‌ها»

با تشکیل شوراها سر نوشت خود را بدست گیرید

" برادران ، خواهران آینده نگر باشید و به ریسمان توحید اسلام
اعتصام یابید و با انتخاب افراد آگاه و مسئول و خدمتگزار و تشکیل شوراها
سر نوشت خود را بدست گیرید و مشکلات خود را حل و فصل نمایید و پایه
زندگی خود را محکم سازید و به زندگی برادرانه و پراز صفا و محبت روی
آرید . " (۱۷)

شورا از دیدگاه "پدر طالق"

طرح پیشنهادی پدر طالقانی برای شوراهای محلی

امروز دفتر حضرت آیت الله طالقانی طرح "قانون شوراهای محلی" را که توسط ۶ نفر از برگزیدگان حضرت آیت الله طالقانی تهیه گردیده منتشر کرد.

دفتر حضرت آیت الله طالقانی درخواست کرده است که این طرح پس از درج در روزنامه از طرف صاحبان افکار و عقاید صاحب صلاحیت تکمیل، تأیید و مورد پشتیبانی قرار گیرد و ضمناً "علاقمندان هر نوع پیشنهاد اصلاحی داشته باشند به دفتر آیت الله (پیچ شمیران - کوی تنکابن) با ذکر عبارت "مربوط به شوراها" در پشت پاکت ارسال دارند.

متن طرح تهیه شده از طرف برگزیدگان آیت الله طالقانی باین شرح است:

"ماده ۱ - "به پیروی از اصل شوراها و به منظور تأمین مشارکت مردم هر ناحیه در اداره امور عمومی و رعایت مقتضیات تاریخی و جغرافیایی و مذهبی شهرها و استانهای کشور و اتخاذ تدابیر در حفظ و اشاعه فرهنگ و زبان و سنن بومی و قومی، شوراهای ده و بخش و شهر و شهرستان و استان، بر مبنای تقسیم جغرافیائی و سیاسی که در قوانین معین است، در سراسر کشور تشکیل میشود."

ماده ۲ - "شوراهای محلی، برای مدت دو سال بدین ترتیب انتخاب می شوند و تجدید انتخاب اعضای آن مانعی ندارد."

۱ - "شورای هر ده از طرف اهالی بطور مستقیم انتخاب میشود و اعضای آن پنج نفر است."

- ۲- شورای هر بخش از نمایندگان منتخب شوراهای ده که در حوزه آن بخش قرار دارد تشکیل میشود و هر شورا یک نماینده در آن دارد.
- ۳- شورای شهر بطور مستقیم از طرف کسانی که در آن شهر سکونت دارند انتخاب میشوند. حداقل تعداد اعضای شورا هفت نفر است و برای شهرهایی که بیش از ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد به نسبت هر صد هزار نفر یک نماینده افزوده میشود. ولی تعداد نمایندگان در هیچ صورتی از بیست نفر تجاوز نمی‌کند.
- ۴- شورای شهرستان از نمایندگان منتخب شورای شهر و شوراهای بخش آن ناحیه تشکیل می‌شود: بدین ترتیب که شورای هر بخش یکی از اعضای خود را برای شرکت در شورای شهرستان انتخاب می‌کند و شورای شهر نیز به تناسب هر ۱۰۰ هزار نفر اهالی شهر یک نماینده از اعضای شورای شهر بر می‌گزیند. ولی تعداد اعضای منتخب شورای شهر نباید در هر حال بیش از هفت نفر باشد.
- ۵- شورای استان از نمایندگان شوراهای شهرستان تشکیل می‌شود و هر شورا، قطع نظر از تعداد اعضای خود، یک نماینده در آن دارد.
- ماده ۳- "انتخابات، قطع نظر از ویژگی‌های مذهبی و نژادی و زبانی، انجام می‌شود و تمام ساکنان محل حق شرکت در آن را دارند. کسی ساکن محل به شمار می‌رود که حداقل شش ماه پیش از شروع انتخابات در آنجا مقیم باشد."
- ماده ۴- "حداقل سن انتخاب کنندگان هیجده سال تمام است و اعضای شوراها نباید کمتر از ۲۵ سال سن داشته باشند."
- ماده ۵- "شورای ده کدخدا را انتخاب می‌کند و به عنوان مشاور و ناظر نیز در انجام وظایف کدخدا او را یاری می‌دهد عزل کدخدا نیز با شورای ده است."
- ماده ۶- "شورای بخش سه نفر را برای بخشداری به فرماندار معرفی

می‌کند که یکی از آنان را فرماندار به سمت بخشدار تعیین و به وزارت کشور معرفی خواهد کرد. شورای بخش. حق وضع آئین نامه‌های لازم برای حفظ و عمران مزارع، باغ‌ها و مراتع و اماکن عمومی و راه‌های فرعی روستائی و شیوه عادلانه تقسیم آب‌های مباح را نیز در حدود قوانین و تصمیم‌های شورای شهرستان دارد بر کار شوراها ده نظارت می‌کند.

تبصره ۰ - عزل بخشدار نیز به پیشنهاد شورای بخش و تصویب فرماندار انجام می‌شود.

ماده ۷ - شهردار هر محل بوسیله شورای شهر انتخاب می‌شود. شورای - شهرستان سه نفر از میان اعضای شورا یا از خارج برای فرمانداری پیشنهاد می‌کند و وزارت کشور یکی از این منتخبان را به سمت "فرماندار" منصوب می‌کند. استاندار به پیشنهاد شورای استان و تصویب وزارت کشور معین می‌گردد.

ماده ۸ - تغییر شهردار منوط به تصمیم شورای شهر است و عزل فرماندار و استاندار نیز به پیشنهاد شوراها شهرستان و استان و تصویب وزارت کشور انجام می‌گیرد، مگر در موارد ضروری و غیر عادی، که، بنا به مصالح ملی، به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیئت وزیران فرماندار یا استاندار معزول می‌شود.

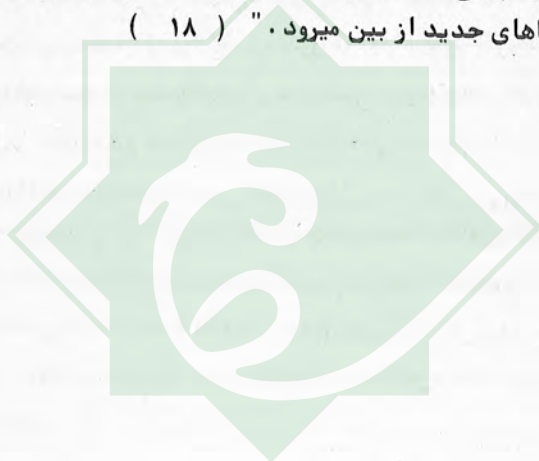
ماده ۹ - نظارت بر کار شهردار و انجمن‌های محلی و تقسیم کار بین آنها بر عهده شورای شهر است شورا حق دارد برای کلیه امور مربوط به شهرداری، در حدود قوانین و تصمیم‌های شورای شهرستان آئین نامه وضع کند.

ماده ۱۰ - شورای شهرستان حق دارد، گذشته از نظارت بر کار شورا های بخش حوزه خود، در باره این امور آئین‌نامه وضع کند:

۱ - امور فرهنگی: مانند چگونگی استفاده از بناهای تاریخی و مذهبی، حفظ و اشاعه هنرهای بومی و محلی و زبان و آداب و رسوم قومی.

- ۲- امور آموزشی، مانند میزان و کیفیت تدریس زبان محلی و شیوه تعلیمات مذهبی و آموزش هنرها و صنایع بومی در دبستان ها و دبیرستانها، ایجاد مؤسسات آموزشی در حدود سیاست عمومی آموزش کشور و بودجه آن شهرستان.
- ۳- امور بهداشتی و درمانی، مانند آئین نامه های بهداشتی مربوط به اماکن عمومی و فروشندگان مواد غذایی و رستورانها و تاسیس اداره بیمارستانها و نظارت بر کار پزشکان و دارو فروشان.
- ۴- کار و صنعت کشاورزی، در حدود سیاست های عمرانی کشور و قوانین و آئین نامه های کار.
- ۵- وضع عوارض منطقه ای در سطح شهرها و روستاها و راهها و اتوبان های داخل شهرها.
- ۶- وضع آئین نامه های خلافی، برای تضمین مصوبات شورا و تعیین کیفر تخلفات مربوط به رانندگی و مبارزه با گران فروشی.
- ماده ۱۱- "شورای استان، گذشته از نظارت بر کار شوراها در سطح استان و ایجاد هم آهنگی بین آنها، حق وضع آئین نامه در مورد اصول کلی حاکم بر اداره شوراها و تعیین ضوابط مشترک در تمام زمینه های موضوع صلاحیت شورای شهرستان را در سطح استان دارد.
- ماده ۱۲- "آئین نامه های شورای بخش و شهر نباید با آئین نامه کلی شورای شهرستان و آئین نامه شورای شهرستان با اصول و ضوابط شورای استان مخالف باشد و عالیترین دادگاه در محل میتواند در خصوص تعارض آئین نامه ها تصمیم بگیرد و در صورت لزوم آئین نامه ای را که بر خلاف مقررات شورای بالاتر وضع شده است ابطال کند.
- ماده ۱۳- "وضع قواعد مربوط به سیاست عمومی دولت در باره صلاحیت شوراها و اصولی که باید برای حفظ حاکمیت ملی و نظم عمومی و مصالح ملی از طرف شوراهای محلی رعایت شود با مجلس شورای ملی است

و آئین نامه شوراهای در صورتی اعتبار دارد که با این قوانین مخالف نباشد .
 ماده ۱۴ - " استانداران و فرمانداران و بخشداران منتخب شوراهای
 محلی ، در دوران تصدی در شمار کارکنان وزارت کشور در می آیند و تابع
 نظامات خاص دولتی هستند و سمت آنان پس از پایان دوره کار شوراهای و
 استقرا شوراهای جدید از بین می رود . " (۱۸)



کتابخانه آنلاین « طالقانی و زمانه ما »

مسئله شورا بر مسئله تدوین قانون اساسی و مجلس مؤسسان

تقدم دارد

شورا و قانون اساسی ما فقط ادعا نیست

آزادی شرکت گروهها و افراد در انتخابات مجلس مؤسسان

"... البته مسئله شوراها و چگونگی شوراها و اختیاراتی که آنها

باید داشته باشند مطرح است ولی دیروز صلاح دانستیم * که مسئله قانون

اساسی و مجلس مؤسسان پیش از مسئله شوراها اقدام شود اگر چه ممکن است

مسئله شوراها تقدم داشته باشد و از نظر من هم تقدم دارد چون آیه‌ای هم

هست برای آنکه مردم همه باید حق شرکت در سر نوشتشان داشته باشند

و این از نظر انقلاب ما مسئله مهمی است هم از دید دموکراسی یعنی دخالت

مردم در سر نوشت و هم از نظر اسلامی بنظر میرسد که این مسئله باید هر

چه زودتر ابعادش و طرحش بررسی شود و حدود و اختیاراتی که شوراها

شهری و روستائی دارند انجام بگیرد و مردم پس از سالها از زندگی سیاسی

و اجتماعی خود برکنار بودند دخالت فعال داشته باشند و در نتیجه بار

مسئولیت دولت هم سبکتر میشود." (۱۹)

کتابخانه آتالین «طالبانی و زمانه ما»

"... قانون اساسی ما فقط ادعا نیست که کار مردم و سر نوشت باید با

خودشان باشد و حقوق اقتصادی - اجتماعی و سیاسی به آنها داده شود

بباری خداوند و همکاری مردم به آنچه می‌گوئیم عمل خواهیم کرد - چون

بسیاری از کشورها هستند شورا هم دارند قانون اساسی هم دارند ولی در

عمل آنچه که باید پیاده نشده و اکثریت حق نظارت در کارهای عمومی

خود و کشورشان را ندارند - چه کشورهای غربی و دموکراسی که اسمش،

دموکراسی است ولی در باطن و درون با حیل‌گری قدرت دست سرمایه دارها

است - آنها سر نوشت مردم را تعیین می‌کنند در کشورهای کمونیستی هم

کم و بیش همینطور است موازینی که ما از اسلام داریم و همانطور هم که

بیشتر آیات قرآن خطاب بمردم است یعنی مصلحت همه مردم را در نظر میگیرد همه مردم آزادند همه باید از آن سفره طبیعت متنعم باشند و بند عبودیت را از گردن خود بیرون آورد ، فقط بنده خدا باشند ... " (۲۰)

" طرح شوراهات تهیه شده که در روزنامه ها هم اعلام شد و طرحهای دیگری هم هست که از مجموع و ترکیب این طرحها باید طرح جامع و کاملی تهیه شود و از هم اکنون در دهات و شهرها تیکه آمادگی دارند میتوان انتخابات شوراهای را انجام داد . " (۲۱)

" من از اول گفتم همه نه از باب اینکه یک گروه و جمعیتی هستند یک فرد ایرانی هستند که حق حیات دارند البته می توانند شرکت کنند و کسی مانعشان نخواهند بود . " (۲۲)

در مجلس خبرگان همه حق شرکت دارند
کسی نباید مانع شرکت کسی در انتخابات بشود
در برخورد با افراد گروهها این آیات در مقابل چشم قرار
دارد

" البته باید همه مردم و همه اقشار و همه گروهها شرکت کنند ،
آزادند در شرکت کردن . کسی مانع شده از این که کسی رای بدهد ؟ کاندیدی
بدهد ؟ .. همانطوری که همه برادران ، فرزندان ، خواهران من می دانند
من همیشه سعی کرده ام تا از میزان حق و عدل در باره هر کسی منحرف
نشوم و این آیه شریفه همیشه در مقابل چشم من است که :
" یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط ولا یجرمنکم
شنئان قوم علی ان لاتعدلوا " . قسط را اقامه بدارید . برای خدا گواهی بدهید
اگر که کدورتها ، کینه ها ، نسبت به کسی دارید مانع از آن نشود که قضاوت
به حق کنید عدل را رعایت کنید و لایجرمنکم شنئان قوم علی ان لاتعدلوا
اعدلوا هو اقرب للتعوی ، عدالت است که نزدیک به تقوی است . " (۲۳)

" . با همه اینها من معتقدم که باید در این مجلس همه گروهها راه پیدا
کنند و ما تابع دستور قرآنیم :

" فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین
هداهم الله واولئک اولوالالباب " این درس ماست . این مکتب ماست که
حرف حسابی را بشنود . صاحب لب ، صاحب عقل هدایت یافته ها اینچوری
هستند . این وسیله کمال احسان است ، حرف طرف ، حرف مخالف شنیده
بشود و بعد هم بهترینش گرفته شود ، در مجلس ما باید مخالفین هم بیایند .
اگر نیایند هم باید دعوتشان کنیم حرفشان گفته شود ، قانون اساسی ما از
اصول اسلام ناشی شده است . منشاء گرفته است . اصول اسلام قسط است و
عدل است و حق . هر شعاری ، هر ایده ای که گروهی بدهند ، باز اسلام چند

قدم جلوتر است . البته اینها باید بتدریج پیاده شوند . بنابراین ما هیچ نباید وحشت کنیم که گروههای دیگر راه پیدا کنند حرفشان را بزنند بلکه باید از اینها دعوت کنیم . والا پنجاه نفر ، ۶۰ نفر که هم لباس و هم فکر باشیم و در یک جا جمع بشویم همه یک رای داریم چون از آن موازین نمی توانیم خارج شویم . مجلس اصیل این است که همه آراء گفته شود ، همه ابعاد مسائل بررسی بشود از این جهت باید راه پیدا کنند . " (۲۴)

مسأله شوراها از اساسی ترین مسأله اسلامی است

"صدها بار من گفتم که مسأله شوراها از اساسی ترین مسأله اسلامی است، حتی به پیغمبرش به آن عظمت میگوید، با این مردم مشورت کن، به اینها شخصیت بده، بدانند که مسئولیت دارند، متکی به شخص رهبر نباشند ولی نه اینکه نکردند، می دانم چرا نکردند، هنوز هم در مجلس خبرگان بحث می کنند در این اصل اساسی قرآن، که به چه صورت پیاده بشود: باید، شاید، یا اینکه می توانند، نه، این یک اصل اسلامی است، یعنی همه مردم از خانه و زندگی و واحدها باید با هم مشورت کنند در کارشان علی می فرمود:

من استبد برایه هلك، هر که استبداد کند در کارهای خودش هلاک می شود. من شاور الرجال شارکهم فی عقولهم، وقتی من یک دید دارم. با یک نفر از شما با دو نفر، با ده نفر وقتی مشورت می کنم، ده دید پیدا می کنم، ده عقل به خودم ضمیمه می کنم، چرا نمی شود؟ نمی دانم!! امام دستور میدهد، ما هم فریاد می کشیم دولت هم تصویب می کند، ولی عملی نمی شود. مگر در سنج که این شورای نیم بند تشکیل شد ضرری بجائی رسید و می بینیم آنجا نسبتاً "از همه منطقه کردستان آرامتر است، یعنی گروهها و افراد دست اندرکار شاید اینطور تشخیص بدهند که اگر شورا باشد دیگه ما چکاره هستیم؟! شما هیچ!! بروید دنبال کارتان، بگذارید این مردم مسئولیت پیدا کنند..." (۲۵)

تدبیر امور باید بدست نزوع کنندگان باشد
گرمستضعفین را بخود آنها واگذارید

"... در انقلاب های اصیل انبیاء همینها بودند که تدبیر امر می کردند یعنی همان توده های وابسته ای که از جا کنده شده بودند نه آنهایی که در حاشیه بودند ، نه فرصت طلبها ، در انقلاب ما متاسفانه می بینیم آنهایی که حرکت کردند از جان گذشتند سینه سپر کردند . توی خیابانها ریختند ، آنها که در یک جهت واقع شدند و چه بسا به حساب نمی آیند آنها که در حواشی بودند و با همان پست و میز و صندلی سر جایشان بودند آنها می خواهند مدبر امر بشوند با اینکه مدبر امر همان مردمی هستند که در خیابانها ریختند چون اینها بودند که حرکت کردند اینها بودند که پیش بردند اینها باید به حساب بیایند خوب آن دیگران هم بیایند کمک بکنند ولی اصالت فلمدیرات امر اذنبال و التازعات است آنهایی که نزوع کردند و اینجور از جا کنده شدند ... مسئله این است که تدبیر امر باید ، دست کسانی باشد که امر را ایجاد می کردند رو به آخر رفتند ...

پس خلاصه مطلب اینکه تدبیر عموم باید بدست همان هایی باشد که حرکت نزعی داشتند و ما اگر بخواهیم این انقلاب مابه ثمر برسد باید همانهایی که خون دادند جان دادند از همه علاقه ها گذشتند تدبیر عموم باید بدست آنها باشد دیگران باید کمک کار آنها باشند نمی شود که آنها را ندیده بگیریم و کنار بگذاریم که یکی از همان تدبیر امورها " شوراها " ست و " امرهم شورا بینهم " ، " وشاورهم فی الامر " یعنی کار را بدست مردم دادن همان توده محروم همانهایی که زجر کشیده هستند همان مستضعفین که مستکبرین بر اینها حاکم بودند راهنما نشان این است که کار را بدست خودشان بدهیم . دادن کار بدست خودشان که بعد از انقلاب ما اینهمه

داد کشیدیم و دیدیم مثل فریادی است که توی بیابان می کشیم و گوش شنوائی نیست آقا اینهایی که انقلاب کردند این مردم این توده ها این کشاورزها این کارگرها این محرومها ، که پیشتان در انقلاب بودند یک کار مختصری یک کار شورا شان را بدهید به دستشان و خود آنها که سالها از همه چیز محروم بودند امورشان را بدست بگیرند فالمدبرات امرا . " (۲۶)

ایجاد شورا در شهر سنندج

" در این شهر سنندج که مرکز این قسمت کردستان است ، بحمدالله با کوشش دوستان ماو همکاری صمیمانه و احساسات پر شور شما خواهان و برادران اکنون به این نتیجه رسیده ایم که باید شورای موقتی در این شهر تشکیل شود و وظایفی که برای حفظ امنیت ، برای رسیدگی به احتیاجات ضروری به آن محول شده است ، انجام دهد ، این شورای موقت بزودی انتخابات آزاد برای تشکیل انجمن شهر شروع خواهد کرد . انتظار داریم که مردم آزادانه نمایندگان انجمن خود را برای مدتی ، مشخص و معین کنند . انتظار دارم که این شورا نمونه ای برای سر تا سر کشور و سرتاسر مملکت ما و گروههای ما و ساکنین شهر باشد امید وارم شورائی که نمودار رشد شما و نمونه یک شورای آزاد و عالی که افراد آن نمایندگان واقعی مردم باشند ، تشکیل شود . " (۲۷)

ایجاد شور برای حفظ امنیت ، رسیدگی به دردها و رنجهای

مردم

" برای اینکه در شهر شما آرامش ، تفاهم ، برادری مستقر بشود ، هیاتی با انتخاب و نظر گروههای مختلف ، جمعیتهای مختلف ، چند نفری تعیین شده‌اند بعنوان شورای موقت که بیش از یک هفته محال ندارند . پس از یک هفته واگذار می‌شود به آراء عمومی شما ، زن و مرد ساکن همین شهر محترم بتوانند نمایندگان شورای شهری شما را تعیین کنند .

این شور و وظیفه دارد که امنیت را در این منطقه حفظ کند و اخلا لگران و آنهایی که مترصدند ، دستشان را کوتاه‌کند (انشاء الله) به دردهای شما و به دردها و رنجهای شما که همه می‌دانید رسیدگی کند و اینها را به مرکز گزارش بدهد . . . این شهر شما ، که مرکز کردستان شما و کردستان ما ، اولین شهری است که انجمن شهری خود را آغاز می‌کند و به همین زودی انجام میدهد - انجمنی که باید نمایانگر نماینده های واقعی شما باشد .

ما امیدواریم از شما رشد خود را ، همت خود را ، بینش خود را ، ایمان خود را بکا رببرید ، تا این انجمن با کمال آزادی و آراء آزاد شکل بگیرد و صورت بیابد تا نمونه‌ای باشد برای سر تا سر منطقه کردستان ، و بلکه برای همه کشور . که ما بتوانیم بوسیله رسانه‌ها و تبلیغات در سراسر کشور نشان بدهیم که مردمی که می‌خواهند و باید سرنوشت خود را بدست بگیرند ، نمونه‌ای باشید برای آنها . . . " (۲۸)

پدر طالقانی از شورا میگوید

س: حضرت آیت الله، مردم بیاد دارند که چندی قبل حضرت عالی در مدرسه فیضیه پس از ملاقات با امام، دستور ایشان را در زمینه تشکیل شوراهای محلی که از دل روستاها آغاز بشود و یک پیوندی را بین اعماق روستاها تا عالیتترین سطوح مملکت تشکیل بدهد، اعلام فرمودید. و خوشبختانه حالا می بینیم که قانون این شوراها از تصویب گذشته و اعلام شده است، که حتما "ملاحظه فرموده اید. در رابطه با این مسئله، که یک حرکت اساسی و اجتماعی و کارساز را می توانیم از آن نتیجه بگیریم. می خواستم تقاضا کنم که اگر در این مورد (توجه به شوراها) پیامی برای مردم دارید و همچنین نحوه انجامش، یا پیام به مسئولان امر دارید، بفرمائید.

ج: من پیام خاصی در مورد شوراهاندارم. پیام من، پیام انقلاب است، پیام انقلاب اسلامی است و پیام قرآن است. یعنی اولین مسئله برای یک ملتی که در مقابل طغیان و ظلم قیام کرده همین است که مردم احساس کنند که در سر نوشت خودشان دخالت دارند. چرا طغیان می کنند؟ چون همه چیز از آن ها سلب شده است. چرا در مقابل ظلم قیام می کنند؟ برای اینکه می بینند در امور اقتصادی، زندگی، اداری، کار و کسب و در همه چیز، مسلوب الاختیار هستند. اولین درخواستشان اینست که آن چیزی که از ایشان سلب شده به آن ها برگردد. یعنی مردمی که هیچ اختیاری در سر نوشت زندگی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی اخلاقی خودشان نداشتند. زندگیشان را بدست بگیرند. این مسئله باید بمردم ارائه بشود مردم شروع کنند سر نوشتشان را بدست بگیرند. راهش چیست؟ راهش

همین شوراهاست . مردم بتوانند در یک دهی ، در یک شهری ، در یک کارخانه‌ای ، در یک مؤسسه‌ای دور هم جمع بشوند و در تعیین مقدرات خودشان صاحب رای باشند . وجود شورا مهم‌تر از اصل آرائی که از شورا بیرون می‌آید ، است . چون به انسان‌ها ، انسان‌های محروم ، انسان‌های مستضعف و انسان‌هایی که از مسیر و سر نوشت خودشان رانده شده‌اند . این حق را به آن‌ها می‌دهیم و این شخصیت به آن‌ها بر میگردد . این مسئله اول .

باز مسئله مهم دیگر اینست که شورا یک اصل مترقی است ، بخصوص در دنیای امروز . یا باید مردم در سر نوشت خودشان دخالت داشته باشند . یا نه . یا طغیان و استبداد و استکبار و در مقابل استضعاف ، یا شورا . یعنی اگر این نشد آنست . اگر مردم در سر نوشت و در مسیر زندگیشان و دخالت در کارهایشان ممنوع شدند ، معنی‌اش اینست که یک عده‌ای مثل قیم بالای سر این‌ها باشند . مثل قیم برای صغار ، اما نه قیم دلسوز ، قیمی که هم مال صغیر را ببرد و هم عرض و استعدادهایش را از بین ببرد . این مسئله است که می‌بینیم در اسلام و قرآن چقدر به مسئله شورا اهمیت داده شده است . در قرآن یک سوره به اسم " شوری " است .

این شورا فقط به یک عده‌ای که در کارهای عمومی مملکت و سطوح بالا باید دور هم جمع بشوند و با هم در مورد صلح و اقتصاد و وضع کشاورزی و اقتصادی و نظام سیاسی ، نظر و رای بدهند ، اختصاص ندارد ، بلکه این مسئله اعم است . از نظر قرآن و از نظر اسلام هر خانه‌ای باید یک مرکز شورائی باشد . هر دهکده و هر گروهی باید در کارشان یک شورائی داشته باشند . شما ملاحظه می‌کنید در قرآن ، در باره زندگی خانوادگی یعنی شیر دادن بچه که هیچ به چشم هم نمی‌آید و از نظر مردم مسئله مهمی هم نیست . می‌گوید با مشورت باید باشد . توجه می‌کنید در آیهای که در سوره بقره است . که از این جمله شروع می‌شود . والوالدات یرضعن اولادهن حولین

کاملین، مادرها بر حسب وضع طبیعی دو سال بچه‌شان را شیر بدهند. این دستور را می‌دهد، بعد در ضمن می‌فرماید اگر خواستند از شیر بگیرند "فان ارادا فصلا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما" اگر بخواهند بچه را از شیر بگیرند باید پدر و مادر راضی بشوند، مشورت کنند، صلاح بچه هست؟ صلاح مادر هست؟ یا از پزشک مخصوصشان استفاده کنند.

وقتی قرآن در امر خانوادگی و شیر دادن بچه می‌گوید باید همراه با مشورت باشد، چه رسد به اداره یک دهکده، چه رسد به اداره یک شهری یا یک کشوری. همه باید واحدهای شورائی باشد. آیا خود پیغمبر اکرم احتیاج به شورا داشت؟ ما از جهت وحی و همه دنیا از جهت قدرت تعقل و برتری فکری رسول خدا، همگی معترفیم که رایش صائب بود و دارای صائب ترین رای‌ها بود. معذک به خود پیغمبر خطاب می‌کند "و شاورهم فی الامر" یک عرب بیابانی را نادیده نگیر، بگذار او احساس شخصیت بکند که در کار سر نوشت خودش دخالت دارد. هر فردی یک دیدی برای خودش دارد که در شورا دیدش را به تو منتقل می‌کند. ۵ نفر یعنی ۵ عقل. ۵ نور که باهم جمع بشود مسلماً "شعاع و پرتو"ش بیشتر از یک نور است.

اصلاً "کلمه" شور "در ماده لغوی‌اش از "شار العسل" است. عسل را وقتی می‌خواهند از کندو استخراج کنند. باید خیلی آهسته و با لطافت الحیل عمل کنند که زنبورها تحریک و متواری نشوند، تا کم کم عسل را بیرون بیاورند. یعنی افرادی که می‌خواهند دور هم مشورت کنند باید احساساتشان تحریک نشود. علیه یک جهتی نباشد. واقعاً "با صمیمیت دور هم بنشینند." در مورد یک مسئله‌ای، مجموع ۵ نفر. ۵ قدرت فکری می‌توانند یک رای قاطعی که در سر نوشت یک خانواده، یک محل و یک کشور مؤثر است، بگیرند. در وضع امروزی می‌بینیم که دنیا دارد به همین طریق پیش می‌رود. هنوز هم در همه جای دنیا قضیه شوراها پایه صحیحی نگرفته است. این مسئله‌ای است که قرآن رویش تاکید کرده است و یک سوره به نام "شوری"

نازل شده است. از این جهت من هم بعد از پیروزی انقلاب همیشه و همه جا گفته‌ام، برای اینکه این مردمی که عقب رانده شده‌اند، این مردمی که باور نمیکنند که بتوانند در زندگی معمولی و زندگی عمومی خودشان صاحب نظر باشند، برای اینکه بفهمند سر نوشتشان دست خودشان است، این‌ها را باید به آنها بگوئیم، (دستور بدهیم و باور کنند که شورا تشکیل بشود، حالا غیر از قبل است، آنوقت سر نوشت شما دست یک ژاندارم بود، دست یک بخشدار بود، دست یک مامور دولت بود، الان سر نوشت تان دست خودتان است.) تا به این ترتیب به انقلاب واقعا "علاقمند بشوند. و بعد هم این انقلاب و همین شورا پایه بگیرد.

اگر از ۳ ماه قبل تشکیل شوراها شروع می‌شد، مسئله قانون اساسی و مجلس مؤسسان (به هر صورتی که باشد) می‌توانست از همین شوراها برگزیده شود. افراد و توده مردم که ناشناخته مانده‌اند. استعدادهایشان را نشان بدهند. چه بسا مردمی که عقلشان، فکرشان، تدبیرشان و صداقتشان از این‌هائی که در راس بعضی کارها هستند خیلی بیشتر است ولی شناخته نشده‌اند. به چه وسیله باید شناخته بشوند؟ در این شورای ده می‌بینید یک انسانی قدرت فکری یعنی صداقتش را نشان می‌دهد، می‌آید توی شورای شهر قرار می‌گیرد، بعد می‌آید جزء شورای استان و بعد جزء شورای کشور قرار می‌گیرد. ما می‌توانستیم تا بحال خیلی از مسائل را بوسیله شوراها حل کنیم. بنظر من تاخیر افتاده است. با اینکه من در قم با حضرت آیت الله امام خمینی مطرح کردم، ایشان هم قانع شدند، حتی دستور دادند، من اعلام کردم، خود ایشان فرمان دادند که باید این مسئله مطرح بشود. (مسئله شوراها که الان جای بحث نیست، اهمیت آن در ابعاد مختلف برای پا گرفتن انقلاب. برای جلوگیری از دیسیسه‌ها و تحریکات، برای باور کردن مردم که در سر نوشتشان دخالت دارند) با همه این‌ها من متأسفانه نمی‌دانم چه عللی باعث شد که تا بحال تاخیر افتاده است. البته شاید

بعضی از علت‌هایش را می‌دانم ولی جای گفتنش نیست، مگر یک وقتی که وقتش برسد.

باز تشکر می‌کنم که فعلاً "این مسئله مطرح شده است. من از همه خواهران و برادران در همه کشور تقاضا می‌کنم که به این امر مسئله شوراها اهمیت بدهند و بدانند سر نوشتشان دست خودشان است. و دولت هم باید در این کار فقط نظارت داشته باشد. برای تیمن و تبرک باز این آیات شوری را از روی خود قرآن می‌خوانیم. یک سوره به اسم شوری است. مسلمان‌ها. هر کس که صدای مرا در داخل و خارج کشور می‌شنود. راه اصلاح و حرکت و تکامل انقلابی یک کشوری منحصر به همین است.

قرآن بعد از اینکه در سوره شوری. آیات خلقت، آیات طبیعت و مسائل مختلفی را مطرح می‌کند. بعد از این، آیه ۳۶ شروع میشود:

"فما اوتیتم من شیء فمتاع الحیوة الدنیا" آن‌هایی که در دست‌رستان است، این‌ها زندگی پست است، زندگی نزدیک است. باید چشم‌اندازتان وسیع‌تر باشد، آینده‌نگر باشید "و ما عند الله خیر و ابقی للذین آمنوا و علی ربهم یتوکلون" این شرائط اعضای شورا، برای یک جامعه شورائی و یک شهر شورائی می‌باشد. آن‌هایی که ایمان دارند به حقیقت بالاتری و میدانند مسئولیت‌های بزرگتری دارند و توکل به خدا دارند، ترس و رعب ندارند. مرعوب و مجذوب نیستند. و کسانی که "یجتنبون کبائر الاثم والفواحش" این شرائط اعضای شورا در یک انقلاب اسلامی است. باید همه این‌ها رعایت بشود. آن‌هایی که متجاهر به فسق هستند، فسق‌های بزرگ، آن‌ها را نباید در شورا راه داد. آن‌هایی که با رژیم سابق ساخت و پاخت داشتند. نباید در شوراها راه یابند. کلاهبردارها، ربا خوارها، نباید در شوراها باشند، چون شرط مردمی که اهل شورا هستند، می‌فرماید: "الذین یجتنبون کبائر الاثم والفواحش" از گناهان بزرگ و رسوا اجتناب می‌کنند. "و اذا ما غضبوا هم یغفرون" مردمی مسلط بر نفس هستند، اگر تحریکشان کردند زود از جا

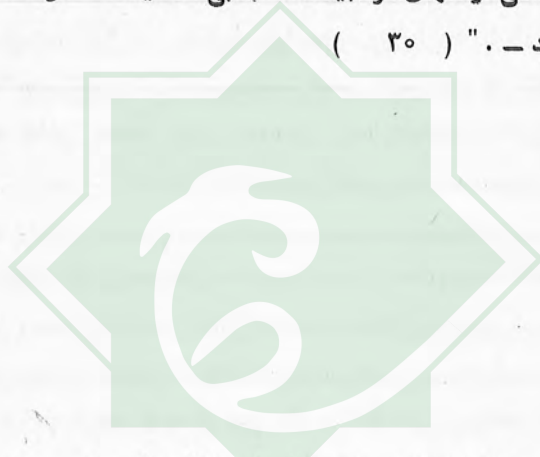
کنده نمی شوند. خودشان را نگه می دارند. گذشت میکنند. سعه صدر دارند

"والذین استجابوا لرهبهم" این مردمی که هر وقت بانگ ربوبیت و دعوت الهی به آنها می رسد، آماده برای استجابت هستند. "واقاموا الصلوه" خود نماز را به پامیدارند نه اینکه نماز می خوانند. "وامرهم شوری بینهم". اینها هستند که کارشان باید با شورا پیش برود. اینها همان هائی هستند که "فالمدبرات امرا" تدبیر بدست همین هائی است که از همه وابستگی ها و گناه ها صافی شدند، بارز شدند. "ومما رزقناهم ینفقون" دستشان در انفاق باز است. "والذین اذا اصابهم البغی هم ینتصرون" مردمی هم نیستند که اگر توی سرشان زدند. باز سرشان را کج کنند تا یکی دیگر هم بزنند. وقتی کسی بخواهد به حریم اینها، به حریم مملکتشان، به حریم دینشان، به حریم شرفشان تجاوز بکند، دادشان بلند می شود. از همه دنیا یاری می جویند. این شرائط جامعه و مردمی که می توانند شورای صحیح داشته باشند. امیدواریم همه قوانین ما و شرائط شورا، بر طبق همین موازین و رهبریهای قرآن تنظیم بشود. پیش از آنکه بخواهد از غرب و شرق یک چیزهائی انتخاب بشود. (۲۹) «طالقانی و زمانه ما»

والسلام علیکم

شوراها مسدود کننده نفوذ بیگانگان ، دسیسه کارها و ...

" امیدواریم با تشکیل شوراهای محلی و ارائه قانون اساسی و پیاده کردن قانون اساسی ، راههای نفوذ بیگانه ، اجنبی ، دسیسه کارها ... - مسدود شود . " (۳۰)



اگر شوراها ایجاد میشد خیلی از مسائل حل میشد
کتابخانه آنلاین «پالقانی و زمانه ما»

" نماینده جوان مجلس: مسائل شوراها که مورد نظرتان هست . آن

قسمتی که پیشنهاد دارید ، آن هست .

پدر پالقانی : من از اول هم میگفتم .

نماینده جوان مجلس: بله

پدر پالقانی: کیه که عمل بکنه!

پدر پالقانی: اگر عمل میشد که خیلی مسائل حل میشد . " (۳۱)

اصل پیشنهادی " پدر طالقانی " در باره نظام شورائی به
"مجلس خبرگان"

" نور بخش - بسم الله الرحمن الرحيم . عرض کنم که در آخرین روزی که حضرت آیت الله طالقانی اینجا تشریف داشتند و اگر خاطران هست آقای موسوی اول راجع به نظام شورائی صحبت کردند و بعد از آقای موسوی من با کسب اجازه از آقای طالقانی با ایشان راجع به شوراها صحبت کردم و گفتم اگر صلاح میدانید که باز مطرح بشود چون یکمرتبه مطرح شده بود البته قاعدتا آقای مهندس سحابی مطرح میکردند ولی آن روز آقای سحابی تشریف نداشتند بعد پیشنهادی بود که در گروه قبلا " بتصویب رسیده بود من این پیشنهاد را خدمتشان دادم و گفتم شما اول مطالعه بفرمائید ایشان مطالعه فرمودند و بعد گفتند یک کمی تأکید بیشتر داشته باشد گفتم خوب تصحیح بفرمائید . بعد از چهار پنج دقیقه فرمودند در شرح کلی که میآید آنجا توضیح بدهید بعدا " موقعی که داشتند تشریف میبردند مخصوصا " تأکید کردند که آن پیشنهاد را شما حتما " بدهید به آقای رئیس که اگر آقای دکتر بهشتی حاضر شان باشد من بعد از جلسه آمدم خدمتشان و فرمودند که در جلسه آتی به بده اینست که من عین این پیشنهاد را فقط از نظر اینکه ایشان موافق بودند و قبلا " هم گروه بتصویب رسانده بود ... بهر حال چیزی که بر آن تأکید داشتم نظام شورائی است یعنی اینجا در این اصل ۶ ما نظام شورائی نداریم ، گفتیم امور کشور باید از طریق شوراها باشد ولی تأکید روی نظام شورائی است اینست که اگر بشود در اصل ۶ نظام شورائی را گنجانند فکر میکنم مشکل بر طرف میشود ... اگر اجازه بدهید منتهی که مورد تأیید هم بود و در گروه پنج مطرح شده من میخوانم : جمهوری اسلامی حکومت اسلامی مبنی بر نظام شورائی است که اداره جامعه با اتکاء بر آن صورت میگیرد بموجب

نور بخش
۹

و امر هم شوری بینهم شوراها نمیتوانند قوانینی که در تناقض با اصل قبل باشد بحث کنند. البته این قبلاً" در جلسه تصویب شده بود: شوراها نمیتوانند قوانینی مخالف با احکام اسلامی باشد بحث کنند. چون آن روز ما دیدیم که اصل قبلی این را تاکید کرده بود این جمله آخرش را گرفتیم (البته الان میشود اصل ۴) این متن را میدهم خدمت آقای دکتر بهشتی اگر صلاح بدانند چیزی بوده که مرحوم طالقانی بمن گفتند و من با اجازه بمجلس تقدیم میکنم. متشکرم. (۳۲)

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

فهرست مآخذ

- ۱- : "تنبيه الامه و تنزيه المله"، علامه نائینی، با مقدمه و پا صفحه و توضیحات "پدر طالقانی"، تیرماه ۱۳۳۴، صفحات ۵۱ تا ۵۴
- ۲- : مآخذ فوق، صفحات ۶۱ و ۶۲
- ۳- : مآخذ فوق، صفحات ۸۰ تا ۸۳
- ۴- : "بحثی در باره مرجعیت و روحانیت"، نوشته جمعی از - دانشمندان، شرکت انتشار، چاپ دوم، صفحات ۲۰۲ و ۲۰۳
- ۵- : مآخذ فوق، صفحه ۲۰۵
- ۶- : "، صفحات ۲۰۳ تا ۲۱۱
- ۷- : از بیانیه "پدر طالقانی" بمناسبت تأسیس نهضت آزادی ایران"، اردیبهشت ۱۳۴۰
- ۸- : "پرتوی از قرآن"، ج دوم، شرکت انتشار، صفحه ۱۵۸
- ۹- : "پرتوی از قرآن"، قسمت پنجم (جلد سوم)، سوره آل عمران، "پدر طالقانی"، گردآورنده: آقای سید محمد مهدی جعفری، شرکت سهامی انتشار، صفحات ۳۹۴ تا ۳۹۸

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»



۱۰- "آزادی تا شهادت" چاپ دوم، انتشارات ابوزر، اسفند

۵۹، صفحه ۶۷

۱۱- مآخذ فوق، صفحات ۷۷، ۷۸

۱۲- "، صفحه ۷۸

۱۳- "، صفحه ۷۹

۱۴- "، "، ۱۲۶

۱۵- "، "، ۱۳۴

۱۶- "، صفحات ۱۴۸ و ۱۴۹

۱۷- "، صفحه ۱۵۱

۱۸- "، صفحات ۱۶۴ تا ۱۶۷

۱۹- "، صفحه ۱۸۵

۲۰- "، صفحات ۱۸۵ و ۱۸۶

۲۱- "، صفحه ۱۸۸

۲۲- "، صفحه ۱۹۲

۲۳- کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما» ۲۵۱

۲۴- "، "، ۲۵۲

۲۵- "، "، ۳۱۷ تا ۳۱۹

۲۶- "، "، ۳۵۱ و ۳۵۰

۲۷- "، "، ۴۲۳ و ۴۲۴

۲۸- "، صفحه ۴۶۲

۲۹- "، صفحات ۴۷۱ تا ۴۷۵

۳۰- "، صفحه ۴۶۸

۳۱- "، صفحه ۴۸۵

۳۲- "صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی"،

جلسه ۱۵ تاریخ ۵۸/۶/۲۱، صفحات ۲۷ و ۲۸



کتابخانه آنلاین «مالقانی و زمانه ما»



کتابخانه آنلاین «مالقانی و زمانه ما»



کتابخانه آنلاین «مآلقاتی و زمانه ما»

وقتی قرآن در امر خانوادگی و شیر دادن بچه می‌گوید باید همراه با مشورت باشد، چه رسد به اداره یک دهکده، چه رسد به اداره یک شهری یا یک کشوری. همه باید واحدهای شورائی باشد. آیا خود پیغمبر اکرم احتیاج به شورا داشت؟ ما از جهت وحی و همه دنیا از جهت قدرت تعقل و برتری فکری رسول خدا، همگی معترفیم که رایش صائب بود و دارای صائب ترین رای‌ها بود. معذک به خود پیغمبر خطاب می‌کند "و شاورهم فی الامر" یک عرب بیابانی را نادیده بگیر، بگذار او احساس شخصیت بکند که درکار سر نوشت خودش دخالت دارد. هر فردی یک دیدی برای خودش دارد که درشورا دیدش را به تو منتقل می‌کند. ۵ نفر یعنی ۵ عقل. ۵ نور که باهم جمع بشود مسلماً "شعاع و پرتوش بیشتر از یک نور است."

شورا از دیدگاه "پدر طالقانی"

موسسه خدمات فرهنگی رسا

مرکز بخش کتاب

تلفن ۸۳۹۹۵۰



10007500141274
کتابخانه مرکزی دانشگاه

BP190.5

.C65T3

تهران - استاد مطهری تقاطع مبارزان ساختمان شماره ۴

فروشگاه: ناصر خسرو - کوچه حاج نایب، پاساژ مجیدی طبقه دوم